



## Designing and Explaining Social Procurement Model to Reduce Poverty in Supporting Organizations: Conceptualization, Effective Factors and Consequences

**Mohammad Safari Dashtaki**

Ph.D., Department of Public Administration, Bandar Deylam Branch, Islamic Azad University, Bandar Deylam, Iran. E-mail: safari-frs@emdad.ir

**Reza Zare**

\*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Public Administration, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: rezazare@pnu.ac.ir

### Abstract

**Objective:** In the new public governance era, some governments create social values such as reduce poverty and unemployment through social procurement policies and use it as an important lever to achieve various social goals. This study's purpose was to identify and explain factors influencing the formation and implementation of social procurement to reduce poverty in Fars province support organizations.

**Methods:** This study is qualitative research and uses grounded theory methodology. For gathering analytical data, semi-structured interviews were done with 20 persons who were university professors, managers and experts of Imam Khomeini Relief Foundation (IKRF) and state Welfare Organization (SWOI) in Fars Province, as the statistical samples selected through purposive sampling method. The transcribed interviews were then analyzed based on three stages of open, axial, and selective coding.

**Results:** The results revealed that community-oriented policing was the core phenomenon and it had induced the creation of social procurement while interacting with other factors. The relationship between these factors was also presented in the final model. Accordingly, community-oriented planning, partnership policy development, and multi-purpose policing can have significant effects on the creation of procurement policy. Ultimately, this point of view is taken into account as a foundation for developing the phenomenon of social procurement.

**Conclusion:** Social procurement through synergies in society can achieve valuable outcomes such as poverty reduction, social capital development, innovative responses to social needs, promoting social health, public resource and benefits optimization and target groups empowerment.

**Keywords:** Social procurement, Poverty reduction, Grounded Theory, Supporting organizations, Imam Khomeini Relief Foundation.

**Citation:** Safari Dashtaki, Mohammad & Zare, Reza (2020). Designing and Explaining Social Procurement Model to Reduce Poverty in Supporting Organizations: Conceptualization, Effective Factors and Consequences. *Journal of Public Administration*, 12(2), 291-313. (in Persian)



## طراحی و تبیین مدل تدارکات اجتماعی با هدف کاهش فقر در سازمان‌های حمایتی؛ مفهوم‌پردازی، عوامل مؤثر و پیامدها

محمد صفری دشتکی

دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد بندر دیلم، دانشگاه آزاد اسلامی، بندر دیلم، ایران. رایانامه: safari-frs@emdad.ir

رضا زارع

\* نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: rezazare@pnu.ac.ir

### چکیده

**هدف:** در عصر حاکمیت عمومی نوین، برخی دولت‌ها، ارزش‌های اجتماعی همانند کاهش فقر و بیکاری را در قالب سیاست‌های تدارکات اجتماعی تحقق می‌بخشند و از تدارکات خود به‌عنوان اهرمی مهم برای دستیابی به اهداف مختلف اجتماعی استفاده می‌کنند. بنابراین هدف از این پژوهش، شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و اجرای تدارکات اجتماعی به‌منظور کاهش فقر در سازمان‌های حمایتی استان فارس است.

**روش:** این پژوهش، پژوهشی کیفی است که از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بهره می‌برد. در این راستا، با بیست نفر از اساتید دانشگاه، مدیران و کارشناسان کمیته امداد امام خمینی «ره» و سازمان بهزیستی استان فارس که به‌عنوان نمونه آماری و به شیوه هدفمند انتخاب شده بودند، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای انجام شد و متن‌های مصاحبه در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان دادند که خط‌مشی اجتماع‌محور به‌منزله پدیده محوری و در تعامل با سایر عوامل موجب شکل‌گیری تدارکات اجتماعی می‌شود. نحوه ارتباط این عوامل در مدل نهایی پژوهش نشان داده شده است. «برنامه‌ریزی اجتماع‌محور»، «توسعه سیاست‌های مشارکت‌آفرین» و «خط‌مشی‌گذاری چندمنظوره» در شکل‌گیری «سیاست‌گذاری تدارکات» تأثیری بسزایی دارند و در نهایت این نگرش، پایه‌ای برای به وجود آمدن پدیده تدارکات اجتماعی می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** تدارکات اجتماعی می‌توانند از طریق هم‌افزایی و هم‌آفرینی در جامعه، پیامدها و دستاوردهای ارزشمندی همچون کاهش فقر، توسعه سرمایه‌های اجتماعی، پاسخ‌های نوآورانه به نیازهای اجتماعی، ارتقای سلامت اجتماعی، بهینه‌سازی منابع و منافع عمومی و توانمندسازی گروه‌های هدف را در پی داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** تدارکات اجتماعی، کاهش فقر، نظریه داده‌بنیاد، سازمان‌های حمایتی، کمیته امداد امام خمینی (ره).

**استناد:** صفری دشتکی، محمد؛ زارع، رضا (۱۳۹۹). طراحی و تبیین مدل تدارکات اجتماعی با هدف کاهش فقر در سازمان‌های حمایتی؛ مفهوم‌پردازی، عوامل مؤثر و پیامدها. مدیریت دولتی، ۱۲(۲)، ۲۹۱-۳۱۳.

## مقدمه

از گذشته تاکنون، دولت‌ها عامل اصلی تأمین و ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی بوده‌اند و در این بین، مؤسسه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در این کار، بیشتر نقش کمک‌کننده ایفا را کرده‌اند. (هال<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). در حال حاضر نیز علی‌رغم پیدایش تحولات جدید در مدیریت دولتی مانند سیاست‌های کوچک‌سازی و صرفه‌جویی اقتصادی، دولت‌ها همچنان به‌عنوان عامل ارائه‌دهنده خدمات اجتماعی به فعالیت خود ادامه می‌دهند (باراکت، کست و فورنئو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶).

گسترده‌گی نقش دولت در ارائه خدمات اجتماعی و حمایتی مشکلات اقتصادی و اجتماعی متعددی را در پی دارد، محدودیت منابع مالی و نارضایتی از خدمات ارائه‌شده از جمله مشکلاتی هستند که دولت‌ها با آنها مواجه‌اند. در عصر حاکمیت عمومی نوین و در پاسخ به این مشکلات، مدیریت دولتی ناگزیر به بررسی روش‌های خلاقانه‌تری برای ایفای نقش خود در خدمات اجتماعی و حمایتی است. بی‌شک یکی از این راه‌ها، تنظیم قواعد بازی در تعاملات میان نهادهای بخش ثالث جامعه و دولت برای تحقق اهداف مشترک در چارچوب راهبردهای جدید تدارکات اجتماعی است (گران‌دیا و میهان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷). این موضوع، در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده، زیرا شیوه‌ای است که از طریق آن، دولت‌ها و شرکت‌ها (بنگاه‌ها) قادر به افزایش و تقویت مزایای قدرت خرید هستند و به‌عنوان سازوکاری محسوب می‌شود که به‌واسطه آن، می‌توان برای بنگاه‌های اجتماعی و سایر سازمان‌های بخش سوم<sup>۴</sup>، بازارهایی را توسعه داد. در مدل سنتی تدارکات، ارزش به‌معنای ارزش اقتصادی خلق‌شده توسط تراکنش‌های بازاری با سود متقابل برای خریدار و فروشنده تعریف می‌شود، در نتیجه خریدار، ارزش را از خرید یک کالا یا خدمات کسب کرده و تأمین‌کننده نیز ارزش را به‌شکل سود دریافت می‌کند. اما وقتی مؤلفه ارزش اجتماعی در معیارهای انتخاب تأمین‌کننده لحاظ شود (نظیر خرید از یک بنگاه اجتماعی)، همان تراکنش بازاری که برای جامعه محلی ایجاد ارزش افزوده کرده برای هر سه طرف خریدار، فروشنده و جامعه نیز ایجاد ارزش می‌کند. پس، تدارکات اجتماعی را می‌توان به‌صورت به‌کارگیری قدرت خرید به‌منظور ارزش‌آفرینی اجتماعی یا خلق ارزش اجتماعی تعریف کرد (فرمانداری ایالت ویکتوریا<sup>۵</sup>، ۲۰۱۸).

امروزه، سازمان‌های بخش عمومی از تدارکات اجتماعی برای دستیابی به اهداف اجتماعی، نظیر به حداقل رساندن بیکاری در بلندمدت، بهبود شرایط کار، تشویق به نوآوری، ارائه فرصت‌هایی برای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط<sup>۶</sup> یا محلی و ایجاد بازار پایدار برای کالاها و خدمات بهره‌مندی‌برند. این گسترده‌گی فعالیت‌ها بدین معنا است که تدارکات اجتماعی دیگر فقط ابزاری برای رسیدن به یک هدف نیست، بلکه ابزاری سیاسی است که از آن، برای دستیابی به برایندها و پیامدهای مطلوب در جامعه استفاده می‌شود (کمیسیون اتحادیه اروپا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶). دولت‌ها با چنددلیلی نفعی کردن تدارکات از طریق اضافه کردن جامعه و ارزش‌های اجتماعی به فرایند تدارکات، به‌دنبال تولید ارزش‌های اجتماعی بیشتر هستند. سازمان‌های عمومی از تدارکات اجتماعی برای دستیابی به اهداف و سیاست‌های اجتماعی دولت، نظیر کاهش

1. Hall

3. Grandia &amp; Meehan

5. Victorian Government

7. European Commission

2. Barraket, Keast &amp; Furneaux

4. Third-sector organization

6. SME

فقر، ایجاد اشتغال برای زنان و معلولان، توسعه محلی، کمک به کسب و کارهای کوچک، برقراری عدالت، حفظ محیط زیست و حمایت از گروه‌های خاص استفاده می‌کنند (فرمانداری ایالت ویکتوریا، ۲۰۱۸). در همین خصوص، با مرور قانون بودجه در ایران در می‌یابیم که هر سال دولت مبالغ هنگفتی صرف خرید کالا و خدمات از بخش خصوصی، تعاونی‌ها و حتی واردات کالا از خارج از کشور می‌کند. این معاملات در قالب تدارکات ساده و سنتی و فقط در راستای تأمین کالا و خدمات مورد نیاز دولت صورت می‌پذیرد. این، در حالی است که اگر درصد کمی از این مبلغ در راستای تدارکات اجتماعی صرف شود، اثرهای شایان توجهی بر جامعه خواهد داشت. دولت با گنجانیدن سیاست‌های اجتماعی در معاملات و تدارکات سنتی خود، قادر است ضمن تحقق اهداف مد نظر در خرید و فروش کالاها و خدمات، سایر اهداف اجتماعی خود، از جمله سیاست‌های مربوط به فقرزدایی و برنامه‌های حمایت از اقشار نیازمند را تحقق بخشد. در ایران تقریباً تمامی خدمات حمایتی در زمینه‌های مختلف فقرزدایی و توانمندسازی افراد نیازمند، توسط دولت و از طریق کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور ارائه می‌شود. این سازمان، با توجه به جمعیت مددجویان تحت حمایت خود، همواره با محدودیت منابع مالی و کمبود امکانات و نیروی انسانی متخصص مواجه هستند، اعتبارات دولتی تخصیص داده شده به این سازمان‌ها پاسخ‌گوی نیاز آنان در راستای تأمین خدمات حمایتی مورد انتظار جامعه نیست، به همین علت سال‌هاست که این نهادها، به اجرای طرح‌های خوداشتغالی به منظور توانمندسازی خانواده‌های نیازمند، با هدف خروج آنان از چرخه حمایت اقدام کرده‌اند. مهم‌ترین استراتژی این سازمان‌ها، ایجاد اشتغال برای مددجویان است. این استراتژی به دو شکل عملیاتی شده است، یکی خوداشتغالی از طریق راه اندازی کسب و کارهای کوچک خانگی و دیگری فراهم‌سازی فرصت اشتغال به منظور اشتغال مددجویان بیکار در کارگاه‌ها و شرکت‌های بخش خصوصی و دولتی. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد اجرای این دو استراتژی با موفقیت همراه نبوده است، زیرا این مددجویان به دلایل مختلف قادر نیستند در یک بازار آزاد و رقابتی، تولیدات منتج از کسب و کارهای کوچک خود را به فروش برسانند یا در رقابت‌های سخت استخدامی جذب بازار کار بشوند، در نتیجه همواره در چرخه فقر باقی می‌مانند و این مسئله مشکلات دولت را در حوزه حمایت‌های اجتماعی دوچندان کرده است. در همین راستا، برخی دولت‌ها ارزش‌های اجتماعی مانند کاهش فقر را در قالب سیاست‌های تدارکات اجتماعی گنجانده‌اند. دولت‌ها با ایجاد خط مشی‌های چندمنظوره در تدارکات اجتماعی ضمن تأمین کالا و خدمات مورد نیاز خود به صورت هدفمند، به دنبال آن هستند که با سیاست‌گذاری مناسب مانند اولویت دادن به خرید تولیدات مربوط به کسب و کارهای کوچک نیازمندان، معلولان و زنان بی‌سرپرست، خرید خدمت از افراد بیکار خانواده‌های فقیر یا خرید کالا و خدمات از نهادهای بخش ثالث جامعه که حامی فقرا و نیازمندان هستند، سیاست‌های کاهش فقر را در تدارکات سازمانی خود اجرا کنند (سیژن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). شواهد نشان می‌دهند که در برخی از کشورها، دولت و سازمان‌های بخش عمومی به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده بودجه، از تدارکات اجتماعی به‌عنوان اهمی مهم در سیاست‌گذاری اجتماعی و نیز به‌عنوان یک استراتژی جدید و نوآورانه در دستیابی به اهداف مختلف

اجتماعی به‌ویژه کاهش فقر بهره‌داری کرده‌اند (ادلر و یو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). مهم‌ترین طرح دولتی در این زمینه مربوط به کشور بریتانیا است که در آن قانون تدارکات ارزش اجتماعی به تصویب رسیده است. این قانون، سازمان‌ها و نمایندگی‌های دولتی را به گنجانیدن مؤلفه‌های ارزش اجتماعی در همه فرایندهای خرید، به‌خصوص ارائه خدمات اجتماعی تشویق می‌کند (باراکت و وایزمن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

بنابراین مفهوم‌پردازی، شناسایی عوامل مؤثر و پیامدهای تدارکات اجتماعی در نهادهای حمایتی می‌تواند بستر ساز مفاهیم علمی جدیدتری در حوزه ارتباطات و تعاملات اجتماعی با، هدف استفاده بهینه‌تر از ظرفیت سرمایه‌های نهفته اجتماعی در راستای کمک به تحقق سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی، از جمله کاهش فقر در جامعه باشد. این پژوهش برای دستیابی به این اهداف، در نظر دارد پاسخ‌گوی این پرسش‌ها باشد که تدارکات اجتماعی در بخش حمایتی به چه معناست و عوامل شکل‌دهنده آن کدام‌اند؟ چه شرایطی و چگونه می‌تواند جامعه مدنی و نهادهای بخش ثالث را به سمت مشارکت در تدارکات اجتماعی سوق دهد و سازمان‌های حمایتی چگونه می‌توانند از ظرفیت تدارکات اجتماعی در راستای کاهش فقر بهره‌جویند؟

### پیشینه پژوهش

از اواسط قرن ۱۹ تا قرن ۲۰ میلادی، از تدارکات اجتماعی به‌عنوان سازوکاری برای دستیابی به اهداف سیاست‌های اجتماعی به ویژه بیکاری و شرایط نامساعد محیط کار که برای پیوستگی اجتماعی تهدیدهای اصلی بودند، استفاده شد. به اعتقاد مک کوردن (۲۰۰۴)، هر چند خدمات عمومی که از طریق قراردادهای دولتی ارائه شده‌اند، بر مسائل کلان ملی نظیر حفظ اشتغال برای کارگران تمرکز داشتند، اما نیازهای گروه‌های دیگری مانند زنان، کودکان و افراد محروم که هر جامعه‌ای در قبال آنها مسئولیت دارد، نادیده گرفته می‌شد (شولتن، آلسوس، بورکس و پدرس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). با گذشت زمان، استفاده از تدارکات اجتماعی برای اهداف اجتماعی گسترده‌تر شد و ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید در دهه ۱۹۶۰ نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های تبعیض جبرانی مانند سیاست‌های رفع بی‌عدالتی‌های گذشته در رابطه با اقلیت‌ها با استفاده از تدارکات اجتماعی ایفا کرد (راجرسون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). شیوه‌های سنتی تدارکات، بر میزان موفقیت در ایجاد ذخایر سرمایه‌ی فیزیکی و اقتصادی متمرکز بودند. به‌مرور، تدارکات اجتماعی موجب تغییر این دیدگاه شدند و تدارکات دارای مفهوم و معنایی فراتر از یک تراکنش مالی صرف شد و به ابزاری برای ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی تبدیل شد، زیرا تدارکات اجتماعی از طریق طیف وسیعی از فعالیت‌های گسسته، از جمله فعالیت‌های تولید ارزش اجتماعی از طریق روش‌های مستقیم و غیرمستقیم رخ می‌دهند (فورنو و باراکت<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴). وقتی تدارکات اجتماعی اجرا می‌شود، به‌طور آگاهانه و عمدی مزایای اجتماعی را بر مبنای نیازهای جامعه‌ی محلی خلق می‌کند و به‌دنبال آن از طریق فرایندهای مشارکت چندذی‌نفعی، جوامع قادر به شناسایی مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مهم خواهند بود. تدارکات اجتماعی دارای

1. Edler & Yeow

3. Schulten, Alsos, Burgess & Pedersen

5. Furneaux & Barraket

2. Barraket & Weisman

4. Rogerson

انعطاف‌پذیری و ظرفیت لازم برای شناسایی یک نیاز محلی یا کمک به پر کردن یک شکاف اجتماعی یا اقتصادی ادراک شده است. تدارکات اجتماعی، موجب کاهش ارزش اقتصادی محصول خریداری شده نمی‌شود، بلکه موجب افزایش ارزش کل معامله یا تراکنش می‌شود.

در رابطه با خرید بخش عمومی، تدارکات اجتماعی شامل بهره‌گیری از استراتژی‌های تدارکات برای پشتیبانی از اهداف خط‌مشی‌های اجتماعی است (مندوزا خیمنز، هرماندز لوپز و فرانکو اسکوبار<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). در خصوص حاکمیت، تدارکات اجتماعی درصدد تأمین انتظارات مالی مالیات‌دهندگان با استفاده از هزینه خرید در چارچوب بودجه تعیین شده برای برآورده‌سازی هم‌زمان نیازهای خرید (تدارکات) و نیز دستیابی به اهداف اجتماعی دولت است (گروه اقدام تدارکات اجتماعی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). تدارکات اجتماعی در سازمان‌های بخش خصوصی، نقش صاحبان آن را به‌عنوان متخصص دارای ارزش مشترک با جامعه برجسته کرده و نشان‌دهنده تعهد آنها برای تبدیل شدن به یک نوآور در جنبش مسئولیت اجتماعی شرکت است. در خریدوفروش، تدارکات اجتماعی عبارت از تحویل یک محصول با کیفیت و دارای قیمت رقابتی به خریدار به‌علاوه ارائه یک ارزش اجتماعی، است. عرضه‌کننده، مسئول ارائه نیازهای خریداران و یک ارزش اجتماعی است. با افزایش مشارکت اجتماعی شرکتی با رویکرد چند ذی‌نفعان<sup>۳</sup>، شرکت‌ها می‌توانند در محصولات یا خدمات خود و برای مشتریان خود علاوه بر تقویت شفافیت اجتماعی و وفاداری به برند، ارزش افزوده ایجاد کنند (شهر ویکتوریا<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). انواع ارزش‌های اجتماعی حاصله از تدارکات اجتماعی در جدول ۱ نشان داده شده است.

#### جدول ۱. انواع ارزش‌ها در تدارکات اجتماعی

ارزش اجتماعی	ارزش تأمین‌کننده	ارزش خریدار
ارزش اجتماعی ایجادشده توسط خرید	ارزش پولی تراکنش برای تأمین‌کننده	ارزش کالا/ خدمات برای خریدار

منبع: خرید اجتماعی کانادا (۲۰۱۸)

بررسی مبانی نظری مرتبط با تدارکات اجتماعی حاکی از آن است که دو نوع تدارکات اجتماعی وجود دارد: یک مورد، از طریق خرید اجتماعی کالاها و خدمات و دیگری از طریق قراردادهای خدمات بزرگ‌سالان مبتنی بر جامعه<sup>۵</sup> که به پروژه‌های عمرانی و زیرساختی الحاق هستند، انجام می‌شود. خرید کالاها و خدمات، به‌معنای خرید همه اقلامی است که برای اجرای عملیات، زنجیره تأمین تولید و سایر فعالیت‌های معمول یک کسب‌وکار خریداری می‌شوند. این موارد می‌تواند شامل لوازم اداری، کترینگ، نظافت، چاپ، پیک و آثار هنری باشند. خدمات بزرگ‌سالان مبتنی بر جامعه، برایندهای ارزش اجتماعی تعریف‌شده و مشخصی هستند که به‌صورت بخشی از یک پروژه مهم زیرساختی توسعه‌ای مانند ساخت یک پل، جاده، مدرسه، بیمارستان، برج اداری یا سیستم حمل‌ونقل ارائه خواهند شد. از طریق این قراردادهای

1. Mendoza Jiménez, Hernández López, Franco Escobar  
3. Multi-stakeholder  
5. Community-Based Adult Services

2. Social Procurement Action Group (SPAG)  
4. City of Victoria

دولت، جامعه و تولیدکننده در خصوص ارزش‌های اجتماعی نظیر آموزش شغلی و خرید از کسب‌وکارهای محلی و بنگاه‌های اجتماعی طی ساخت‌وساز یا مذاکره در خصوص قراردادهای تأمین و دسترسی به فضای تجاری پس از ساخت‌وساز، به توافق می‌رسند (خرید اجتماعی کانادا، ۲۰۱۸). برای نمونه در ژوئن ۲۰۱۸، اداره‌ی فدرال زیرساخت کانادا، از طریق معرفی سند قانونی مزایای اشتغال جامعه<sup>۲</sup> برای پروژه‌های بزرگ، این پروژه‌ها را به ارائه فرصت‌های آموزشی و شغلی و فرصت‌های تدارکات برای گروه‌های اقلیت و ضعیف نیروی کار یا گروه‌هایی که در ورود به بازار کار با مشکل مواجه هستند، ملزم کرد و تعهد خود را به تدارکات اجتماعی نشان داد (خرید اجتماعی کانادا، ۱۶). مثالی دیگر در خصوص تدارکات اجتماعی، مربوط به المپیک ۲۰۱۰ در ونکوور است. قراردادهای ساخت‌وساز برای احداث دهکده ورزشکاران، همه پیشنهاددهندگان مناقصه را به گنجانیدن فرصت‌های اشتغال برای ساکنان منطقه کم‌درآمد و هم‌جوار داون تاون ایست ساید<sup>۳</sup>، ملزم کرده بود (تارنمای اولمپیک ونکوور، ۲۰۱۰).

علاوه بر انواع فعالیت‌هایی که تدارکات اجتماعی را تشکیل می‌دهند، توجه فعلی به تدارکات اجتماعی، بخشی از تغییرات گفتمانی گسترده‌تر در رابطه با کنترل و کسب ارزش ناملموس برای قلمرو عمومی را شکل می‌دهد. با استناد به تحلیل نیومن و مک کی از حاکمیت عمومی نوین در محیط‌های سیاسی متفاوت، می‌توان گفت که گفتمان‌های نوظهور تدارکات اجتماعی، عبارت «اجتماعی» را به‌عنوان خاستگاه مسائل حاکمیت و منبع بالقوه راه‌حل‌ها در نظر می‌گیرند (باراکت و همکاران، ۲۰۱۶). به اعتقاد بوارید<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، نیاز به همکاری مشترک در بخش‌های خدمات عمومی که از مشخصه‌های بارز حاکمیت عمومی نوین<sup>۵</sup> است، به ظهور انواع جدیدی از روابط بازاری و نگرش جدید در خصوص ارزش افزوده عمومی فرایندهای تدارکات عمومی و نیز تدارکات خصوصی منجر می‌شود که اثرهای آن با قلمرو عمومی، دارای برهم‌کنش هستند. همراه با کمک‌های دولتی و بشردوستانه و تجارت بازار آزاد از طریق بنگاه‌های اجتماعی، تدارکات اجتماعی، برای بخش سوم، منبع مهم درآمد (سازمان‌های مردم‌نهاد) هستند (دلمونیکا، چیاپتا جابورب، دسوزا جابورب و رنویکد<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸).

اگرچه تدارکات اجتماعی اغلب به‌صورت یک خط‌مشی (سیاست) دولتی ایجاد شده‌اند، اما خلق ارزش اجتماعی از طریق تصمیم‌های خرید، به بخش دولتی محدود نیست و امروزه نیز برخی کسب‌وکارهای بخش خصوصی و تعاونی‌ها، قدرت خرید خود را برای دستیابی به اهداف مسئولیت‌پذیری شرکتی خود صرف می‌کنند (تمپل<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳). علاوه بر این، فرصت‌های ایجادشده توسط تدارکات اجتماعی اغواکننده هستند، با وجود این، برای دستیابی و تحقق این فرصت‌ها، موانع و مشکلاتی نیز وجود دارد. در اجرای اثربخش فرایند تدارکات اجتماعی باید سه مسئله پیچیده و به هم پیوسته را در نظر گرفت:

1. Infrastructure Canada  
3. Downtown Eastside  
5. Bovaird  
7. Delmonico, Chiappetta Jabbourb, Farias Pereirac, De Sousa Jabbourb & Renwickd  
8. Temple

2. Community Employment Benefits  
4. [www.olympic.org/2010/factsheet\\_vancouver\\_legacy/](http://www.olympic.org/2010/factsheet_vancouver_legacy/)  
6. New Public Governance

الف) تغییر فرهنگ که ابزاری برای شناسایی و تغییر مسائل بنیادی، هنجارها و رفتاری سازمان‌ها (دولتی، بخش خصوصی و بخش ثالث) برای درک و ارزش‌گذاری تدارکات اجتماعی است.

ب) تعدیل سیاست‌ها، فرایندها و شیوه‌های تصمیم‌گیری به منظور گنجاندن ارزش اجتماعی در فعالیت‌های کسب‌وکار.

ج) تدوین اهداف و ابزارهای مناسب برای اندازه‌گیری تأثیرهای اجتماعی تدارکات (کامرومان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲).

به‌طور کلی، علی‌رغم توجه روزافزون به تدارکات اجتماعی در تمامی بخش‌ها، در این زمینه مطالب کمی نوشته شده (بوارید، ۲۰۰۶؛ اریج<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷ و مانوز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹) و برای تعریف این عبارت، تلاش‌های محدودی صورت گرفته است (اروسمیت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰ و فورنئو و باراکت، ۲۰۱۴). اما در میان پژوهش‌هایی که به موضوع تدارکات اجتماعی پرداخته‌اند، در جدول ۲، به‌اختصار مواردی بیان شده است.

جدول ۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگر	موضوع	روش پژوهش و نتایج
کاستا و موتا <sup>۵</sup> ۲۰۱۹	عوامل اصلی که از تدارکات پایدار در بخش عمومی برزیل ممانعت می‌کند، یک پژوهش دلفی	این پژوهش که به روش دلفی با پانل ۳۲ نفری اجرا شده، عواملی به‌عنوان موانع اجرای تدارکات اجتماعی برشمرده شده است. این عوامل عبارت‌اند از: نبود برنامه‌ریزی بلندمدت/ بالا بودن نسبت هزینه - منفعت ناشی از انتخاب اقلام پایدار، فقدان روش برای سنجش پایداری تدارکات/ کمبود دانش در زمینه تأثیرهای اجتماعی و محیطی محصولات پایدار، فقدان آموزش و تعلیم تدارکات‌کنندگان و تأمین‌کنندگان در زمینه تدارکات اجتماعی، فقدان فرهنگ سازمانی برای حمایت از تدارکات، فقدان مشوق‌های دولتی، فقدان حمایت مدیریت ارشد و تصور اینکه انتخاب تدارکات می‌تواند رقابت را محدود کند.
مویانماندا <sup>۶</sup> ، ۲۰۱۹	تدارکات اجتماعی ایجاد فرصت‌های شغلی از طریق هزینه‌های خرید	پژوهشگر، در این پژوهش مروری که در استرالیا انجام گرفته است دریافت که سازمان‌های بخش دولتی و خصوصی با استفاده استراتژیک از قدرت خرید خود، از طریق فرایندی موسوم به تدارکات اجتماعی می‌توانند به اهداف اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی دست یابند. تدارکات اجتماعی در بخش عمومی، ارزش‌آفرینی اجتماعی در مناطق محروم و توسعه نیافته را با فراهم آوردن فرصت اشتغال از طریق خرید کالاها و خدمات از افراد ساکن آن مناطق ایجاد می‌کند.
مونتالبان - دومینگو و همکاران <sup>۷</sup> ، ۲۰۱۹	پایداری اجتماعی در تدارکات و تحویل قراردادهای ساخت‌وساز بخش عمومی	نتایج این پژوهش کیفی که با شیوه تحلیل محتوی و بررسی ۴۵۰ سند مناقصه در ده کشور دنیا اجرا شده، حاکی از آن است که روندهای بین‌المللی در حال تغییر به سمت تهیه و ارائه خدمات از طریق تدارکات اجتماعی هستند و نوع کشور و اندازه قرارداد از متغیرهای مهم تأثیرگذار در برخورداری از معیارها و ضوابط اجتماعی در اجرای تدارکات است، اگرچه فرهنگ سنتی و ضوابط اجتماعی در شیوه‌های تأمین کالاها و خدمات به‌صورت سنتی وجود داشت، اما در مقابل، اصول اخلاقی و میراث فرهنگی با کمترین قیمت در تدارکات اجتماعی همراه بودند.

1. Kamruzzaman

3. Munoz

5. Costa &amp; Motta

7. Montalbán-Domingo, García-Segura, Sanz, Pellicer &amp; ASCE

2. Erridge

4. Arrowsmith

6. Mupanemunda



## ادامه جدول ۲

پژوهشگر	موضوع	روش پژوهش و نتایج
مندوزا - خیمنز و همکاران، ۲۰۱۹	تدارکات عمومی پایدار: از قانون تا عمل	نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش کمی با نمونه آماری ۲۱۷ نفر که به روش SWOT اجرا شده، بیان‌کننده این مطلب است که گسست‌های اجتماعی، تأکید بر فردگرایی، اقدامات غرض‌ورزانه و فرصت‌طلبانه به ضرر ارزش‌های اجتماعی و جامعه مدنی، وجود بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی - اقتصادی دائمی گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه علی‌رغم افزایش ثروت جهان، محدودیت‌های مالی روزافزون بر اقتصادهای ملی، ناتوانی دولت‌ها برای حل مشکلات، تغییر سبک زندگی، بلایای طبیعی، جنگ‌ها و مهاجرت از عوامل محرک در اجرای تدارکات اجتماعی هستند.
رومان <sup>۱</sup> ، ۲۰۱۷	نهادینه‌سازی پایداری: مدل‌یابی معادلات ساختاری از تدارکات پایدار در سازمان‌های بخش عمومی ایالات متحده	در این پژوهش کمی که با شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری و نمونه آماری ۲۴۸ نفر و استفاده از پرسش‌نامه‌ای با نه متغیر انجام شده است، عواملی از قبیل تمرکزگرایی، نگرش، فرهنگ سازمانی و سبک رهبری، به‌عنوان موانع اجرای فرایند تدارکات اجتماعی پایدار شناسایی شدند.
لوسمور <sup>۲</sup> ، ۲۰۱۶	تدارکات اجتماعی در پروژه‌های ساختمانی بریتانیا	در این پژوهش کیفی که از طریق مصاحبه با دوازده نفر از رهبران شرکت‌های اجتماعی موفق در صنعت ساختمان بریتانیا انجام شده این نتایج به دست آمد که در زمینه خرید سنتی برای استفاده فرصت تدارکات اجتماعی، به تغییرات زیادی نیاز داریم. این تغییرات عبارت‌اند از: جدا کردن بسته‌های کاری، کاهش حساسیت در قبولی مناقصه‌ها، تغییر درک سنتی از «ارزش» که بر اساس پایین‌ترین قیمت است، گنجاندن الزامات ارزش‌های اجتماعی در قراردادها، به چالش کشیدن نقش غالب متصدیان زنجیره تأمین و تغییر نگرش منفی در خصوص استخدام گروه‌های محروم و آسیب‌دیده جامعه.
کامروزمان، ۲۰۱۲	تدارکات پایدار: دامنه و عملکرد در بخش عمومی بنگلادش	نتایج این پژوهش کیفی که حاصل کدگذاری و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با ۲۵ نفر از متخصصان در سازمان‌های بخش دولتی بنگلادش به این شرح است: با اجرای تدارکات اجتماعی، رویه اخلاقی در سیستم شکل می‌گیرد، استخدام زنان حتی اگر به نفع کارفرمایان باشد بیشتر می‌شود، زمینه را برای گرفتن مزایای غیرپولی فراهم می‌آورد، در این بین نیز دولت موظف به آموزش و بالا بردن سطح دانش و آگاهی درباره تدارکات اجتماعی، افزایش تعهد مدیران و سازمان‌های رده بالای دولتی به اجرای تدارکات اجتماعی و از بین بردن موانع تدارکات است و هم‌سویی تدارکات اجتماعی با سیاست‌گذاری ضروری به نظر می‌رسد.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از شیوه مفهوم‌سازی داده‌بنیاد بهره می‌گیرد. راهبرد مفهوم‌سازی داده‌بنیاد، نوعی روش کیفی است که برای ایجاد نظریه درباره یک پدیده از روش استقرایی استفاده می‌کند (ایمان، ۱۳۹۳). در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد از رویه تفصیلی و خاصی برای تحلیل استفاده می‌شود و شامل سه مرحله است که اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) ابداع کرده‌اند و عبارت است از: تدوین طبقات اطلاعاتی (کدگذاری باز)، مرتبط ساختن این طبقات (کدگذاری محوری) و ارائه داستانی که این طبقات را به هم پیوند می‌دهد (کدگذاری گزینشی) و در انتها، مجموعه‌ای از گزاره‌های نظری ارائه می‌دهد

(دانایی فر، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز برای تدوین قضیه‌ها و گزاره‌ها، از ابزاری که اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸) ارائه کرده‌اند با عنوان «استفاده از دیاگرام» (شکل ۱)، برای ایجاد ارتباط بین کدگذاری محوری و انتخابی و درک روابط میان مقوله‌ها استفاده شده است (دانایی فر، ۱۳۸۹: ۶۴).

این پژوهش از لحاظ هدف، جزء پژوهش‌های تبیینی است، زیرا به دنبال بسط نظریه و تبیین مدل تدارکات اجتماعی بوده و این پژوهش مقطعی از نظر مخاطب جزء پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود (نیومن، ۱۳۹۷)، زیرا با کاربرد نتایج آن در دنیای واقعی سازمان‌های حمایتی می‌توان برای هر ارائه‌دهندگان و دریافت‌کنندگان خدمات حمایتی ارزش اجتماعی ایجاد کرد. شیوه گردآوری داده‌ها، مصاحبه تخصصی نیمه‌ساختاریافته با پرسش‌های باز است. مصاحبه‌ها، پس از هماهنگی‌ها و توافق صورت‌گرفته با متخصصان دانشگاهی و همچنین مدیرانی که از پدیده تدارکات اجتماعی آگاهی و شناخت داشتند و دارای دانش عملی در این زمینه بودند (جدول ۲)، با به‌کارگیری شیوه نمونه‌گیری هدفمند<sup>۱</sup> انجام شد (نیومن، ۱۳۹۷) و مدت زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۵۰ تا ۷۰ دقیقه بود. در این پژوهش، مصاحبه‌ها تا زمان اشباع نظری داده‌ها که در مصاحبه هفدهم رخ داد، انجام شدند، اما برای اطمینان بیشتر تا مصاحبه بیستم ادامه یافت.

جدول ۳. مشخصات نمونه آماری مصاحبه‌شوندگان

مورد	جنسیت	سن (سال)	سطح تحصیلات	سابقه شغلی (سال)
۱	مرد	۳۹	دکتری	۶
۲	مرد	۴۸	دکتری	۲۵
۳	مرد	۵۸	دکتری	۲۵
۴	مرد	۵۹	دکتری	۲۷
۵	مرد	۵۴	کارشناس ارشد	۲۸
۶	مرد	۳۷	کارشناس ارشد	۱۶
۷	مرد	۴۹	کارشناس ارشد	۲۴
۸	مرد	۳۶	دکتری	۱۵
۹	زن	۳۴	کارشناس ارشد	۱۴
۱۰	مرد	۴۷	دکتری	۲۳
۱۱	مرد	۵۲	دکتری	۱۴
۱۲	مرد	۵۵	دکتری	۱۸
۱۳	زن	۴۵	کارشناس ارشد	۱۵
۱۴	زن	۴۱	کارشناس ارشد	۱۸
۱۵	مرد	۴۹	کارشناس ارشد	۲۲
۱۶	مرد	۴۵	کارشناس ارشد	۲۳
۱۷	مرد	۴۷	کارشناس ارشد	۲۴
۱۸	مرد	۴۸	دکتری	۲۰
۱۹	مرد	۳۸	کارشناس ارشد	۱۳
۲۰	زن	۳۳	کارشناس ارشد	۱۵

## روایی پژوهش

در این پژوهش، اطلاعات از منابع مختلف کتابخانه‌ای و مشارکت‌کنندگانی که جزء متخصصان و مدیران آشنا با فرایند تدارکات اجتماعی در کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی استان فارس بودند، جمع‌آوری شده است. طی فرایند تحلیل و جمع‌آوری داده‌ها که در یک پژوهش داده‌بنیاد به صورت هم‌زمان انجام می‌شود، نظرهای متخصصان دانشگاهی نیز برای تأیید صحت کدگذاری و شکل‌دهی طبقات اخذ شد. این امر، نشانی بر اعتبارپذیری این پژوهش است که همانا واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش است (عباس زاده، ۱۳۹۱). در این پژوهش، برای تأیید انتقال‌پذیری که به معنای تعمیم یافته‌ها به سایر حوزه‌هاست، مدیران آشنا با فرایند تدارکات اجتماعی به عنوان نمونه برای مصاحبه انتخاب شدند، زیرا تجربیات و گفته‌های آنان موجب کشف کدها و طبقاتی در تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه می‌شود که در عمل به واقعیت نزدیک‌تر است و تکرارپذیری را افزایش می‌دهد. به منظور دستیابی به تأییدپذیری یا قابلیت تأیید که جمع‌آوری و تحلیل داده طی پژوهش، بررسی داده‌های خام، تفسیرها و پیشنهادها و یافته‌ها را می‌طلبد (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۲۴). با بررسی هر مصاحبه و بررسی پاسخ‌ها، پرسش‌ها و مفاهیم جدیدی برای طرح در مصاحبه‌های بعدی کشف می‌شد و در مصاحبه‌ها سعی می‌شد تا صحت کدها و مفاهیم جدید تأیید شوند. برای تأیید قابلیت وابستگی در این پژوهش کیفی که مطابق قابلیت اعتماد است، هر دو پژوهشگر مصاحبه‌ها را به صورت جداگانه و موازی (هر فرد در یک سازمان) و کسب اجازه از مصاحبه‌شونده برای ضبط صدا، اجرا کردند و با تشکیل کمیته راهبری برای ارزیابی و اجرای مصاحبه (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۲۶) به سرپرستی دبیر شورای پژوهش کمیته امداد امام خمینی (ره) و عضویت یک مدیر اجرایی از کمیته امداد امام خمینی «ره» و یک استاد دانشگاه، سعی در ایجاد قابلیت اعتماد در این پژوهش بود. همچنین نتایج حاصل از کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم به تأیید متخصصان دانشگاهی و مدیران آشنا با فرایند تدارکات اجتماعی رسید تا مفاهیم و مقوله‌های قابل درک و فهم برای مخاطب ایجاد کند (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۲۷) این امر، می‌تواند تأییدی بر قابلیت اعتماد این پژوهش باشد.

## یافته‌های پژوهش

در راهبرد مفهوم‌سازی داده‌بنیاد، تحلیل اطلاعات از طریق کدگذاری داده‌های کیفی مشتمل بر سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۹).

## الف) کدگذاری باز

در این مرحله، در زمان بررسی هر مصاحبه این پرسش مطرح شد که چه عواملی به شکل‌گیری و اجرای تدارکات اجتماعی از سوی کمیته امداد یا سازمان بهزیستی منجر می‌شود؟ سپس، با طرح این پرسش که این مفاهیم در چه مواردی با یکدیگر مشابه‌اند، از طریق فرایند مقایسه‌ای، شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم و بررسی و مرور مکرر آنها، مفاهیم شبیه یکدیگر در یک مقوله یا دسته‌بندی قرار گرفتند. پس از بررسی بیست مصاحبه، ۳۳ مقوله فرعی پدیدار شد. جدول ۴، مفاهیم و مقوله‌های فرعی استخراج‌شده از متون مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد.

## جدول ۴. مفاهیم و مقوله‌های فرعی

مفاهیم	مقوله‌های فرعی
بیکاری فرزندان خانواده‌های تحت حمایت نهادهای حمایتی، افزایش سن ازدواج فرزندان خانواده‌های فقیر، دسترسی نداشتن فرزندان خانواده‌های فقیر به امکانات اولیه زندگی و نیز فرصت‌های برابر اجتماعی و اقتصادی، افزایش آمار مددجویان تحت حمایت سازمان‌های حمایتی، ماندگاری مددجویان در چرخه حمایت و ارثی شدن فقر در خانواده‌های تحت پوشش.	تکرار چرخه فقر
پیدایش فقر چندبعدی و چندسطحی، پیرشدن جمعیت، تهاجم فرهنگی، جهانی شدن اقتصاد، افزایش اعتیاد با مواد صنعتی و روان‌گردان جدید، افزایش مهاجرت، زنانه شدن فقر، افزایش فرهنگ راحتی طلبی و تحمل‌گرایی، افزایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، بحران خشک‌سالی و کم‌آبی، بحران‌های اقتصادی، تحریم‌های جهانی و بیکاری تحصیل کرده‌ها.	پیدایش مسائل اجتماعی بدخیم و نوظهور
محدودیت شدید بودجه و اعتبارات دولتی برای کمک به نیازمندان، کمبود نیروی انسانی در سازمان‌ها و نهادهای حمایتی، کمبود امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای ارائه خدمات حمایتی، کمبود دانش و تخصص‌های مورد نیاز و کاهش شدید اعتبارات اداری و تشکیلاتی.	کمبود منابع حمایتی
ضعف در شناسایی نیازمندان واقعی، نبود امکان توزیع مناسب منابع، نبود بانک‌های اطلاعاتی مورد نیاز، استفاده از فرایندهای سنتی خدمات‌رسانی، محدودیت مالی و نیروی انسانی در مراکز خدمات‌رسانی، نابرابری در ارائه خدمات، پایین بودن اثربخشی خدمات حمایتی، تکیه بر مساعدت‌های مالی صرف، ارائه خدمات حمایتی به صورت مقطعی و غیرهدفمند، هم‌پوشانی وظایف و موازی‌کاری در خدمات حمایتی در بین نهادها و مشارکت ضعیف سازمان‌های مختلف در کاهش فقر و محرومیت.	سازوکارهای ضعیف ساختاری
بالا بودن قیمت تمام‌شده خدمات حمایتی در سازمان‌های دولتی، بالا بودن هزینه‌های اداری و تشکیلاتی، کارایی پایین خدمات، نظارت ضعیف و ناکارآمد بر جذب مددجو و نیز توزیع خدمات، کاغذ بازی و بوروکراسی شدید اداری و سیاست‌زدگی در ارائه خدمات به‌جای اثربخشی.	هزینه گزاف خدمات حمایتی
گسترش مرزهای مسئولیت‌های اجتماعی در حوزه خدمات حمایتی، توسعه مسئولیت قانونی سازمان‌های دولتی و خصوصی و تعاونی در قبال حمایت‌های اجتماعی، تعریف تکالیف قانونی برای همه سازمان‌ها در زمینه حمایت‌های اجتماعی از گروه‌های خاص، تدوین و ابلاغ قوانین و دستورالعمل‌های لازم برای اجرای تدارکات چندذی‌نفعی و گنجانیدن اهداف اجتماعی در خط‌مشی‌های عمومی.	خط‌مشی‌گذاری چندمنظوره
استفاده از ظرفیت برون‌سازمانی برای خرید خدمات حمایتی، راهبری اجتماعی با هدف تولید خدمات حمایتی، به‌کارگیری سازوکارهای تشویقی برای تولید خدمات حمایتی داوطلبانه، حمایت از تولید خدمات حمایتی ارزان یا غیرانتفاعی، ایجاد فرهنگ و گفتمان چندذی‌نفعی در تدارکات کالا و خدمات دولت با تأکید بر منفعت گروه‌های فقیر و نیازمند و به‌کارگیری ظرفیت بخش ثالث جامعه در حمایت‌های اجتماعی.	توسعه سیاست‌های مشارکت‌آفرین
قانونی شدن خرید کالا و خدمات از مؤسسه‌های حامی نیازمندان، تعریف ارزش‌ها و منافع مشترک اجتماعی در معامله‌های بخش دولتی، خصوصی و مردم نهاد، سیاست‌گذاری در افزایش بازیگران بخش خصوصی و ثالث جامعه، گسترش سیاست‌های خرید خدمات حمایتی به‌جای تولید آن و تحلیل و درک فرصت‌های حمایتی در بخش‌های غیردولتی.	برنامه‌ریزی اجتماع‌محور
تعریف فعالیت‌های کلیدی سازمان، تعیین چارچوب زمانی ارائه خدمات، تمرکز منابع سازمان بر خدمات استراتژیک و حاکمیتی، استفاده از ظرفیت‌های تخصصی خارج از سازمان برای تأمین خدمات تخصصی، تفکیک خدمات حمایتی از خدمات حاکمیتی و واگذاری آن به سازمان‌های مردم‌نهاد متخصص، تقویت نقش سیاست‌گذاری و نظارتی بخش دولتی و کاهش خدمات‌رسانی مستقیم حمایتی.	تخصص‌گرایی سازمانی

## ادامه جدول ۴

مفاهیم	مقوله‌های فرعی
واگذاری خدمات به شبکه‌های حمایتی غیرانتفاعی و داوطلب، ارائه خدمات با همکاری شبکه‌های مختلف جامعه مدنی، تسهیل در شرایط مناقصه‌ها برای اولویت دادن به خرید کالا و خدمات از شرکت‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی حمایتی، فرصت‌آفرینی برای همکاری و مشارکت بخش ثالث جامعه و بومی‌گزینی در خرید یا واگذاری خدمت به مؤسسه‌های اجتماعی و حمایتی.	قراردادن مؤسسه‌های خیریه و غیرانتفاعی در زنجیره تأمین دولت و سازمان‌های حمایتی
آموزش مؤسسه‌های خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد، انتقال دانش به بخش‌های غیردولتی، بسترسازی برای فعالیت بخش ثالث جامعه، تشریک مساعی و هم‌گرایی با سازمان‌های مردم‌نهاد، تشویق و ترغیب بخش غیردولتی برای ورود به فعالیت‌های حمایتی، کمک به توسعه مؤسسه‌های تخصصی لازم در حوزه حمایت‌های اجتماعی، تقویت ارتباطات اثربخش با ذی‌نفعان و آموزش تدارکات چندذی‌نفعی به مدیران دولتی.	تسهیل‌گری اجتماعی
شناسایی انواع ظرفیت‌های حمایتی در نهادهای مدنی، شناسایی مؤسسه‌های خیریه و سازمان‌های مردم‌نهاد و خصوصی فعال در حوزه حمایت‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های ارائه خدمات اجتماعی برای بخش ثالث جامعه و گنجاندن منافع اجتماعی در معامله‌های دولتی و خصوصی.	فرصت‌آفرینی اجتماعی
کاهش مقررات زائد اداری در تأسیس نهادهای حمایتی بخش خصوصی و تعاونی‌ها، کمک مالی بدون عوض، اعمال معافیت مالیاتی و بیمه‌ای و حمایت حقوقی (از شرکت‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی فعال در حوزه حمایت‌های اجتماعی) و تشویق سرمایه‌گذاری در شرکت‌های حمایتی.	حمایت از ایجاد مؤسسه‌های اجتماعی - حمایتی
ارائه کمک‌های فنی به شرکت‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی حمایتی، کمک به کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در شرکت‌های اجتماعی حمایتی، حمایت از سرمایه‌های فکری شرکت‌های حمایتی، رفع کلوگاه‌های توسعه و حمایت از نوآوری و کارآفرینی سازمانی شرکت‌های حمایتی.	حمایت از استراتژی‌های رشد مؤسسه‌های اجتماعی - حمایتی
وجود فرهنگ نوع‌دوستی، وجود انگیزه کمک به دیگران در مردم، احساس هم‌دردی و مسئولیت در رابطه با یکدیگر، تکافل اجتماعی، وجود اعتقادات دینی و مذهبی حمایت‌کننده و پاسخ‌خواهی جامعه در راستای محرومیت‌زدایی.	فرهنگ مسئولیت‌پذیری
ملی‌گرایی، قومیت‌گرایی، پایبندی به مشارکت با گروه‌های مختلف اجتماعی و پذیرش دیدگاه‌ها و سلاقی مختلف.	مشارکت‌پذیری
انتظارهای عمومی برای حمایت از نیازمندان، فشار احزاب و گروه‌های سیاسی در راستای تأمین نیازهای فقرا، افشاگری اجتماعی در حوزه خدمات حمایتی، مطالبه‌گری رسانه جمعی برای کمک به نیازمندان، شفافیت‌خواهی از بودجه‌ها و منابع حمایتی دولت، توجه مردم به ارزش‌های اجتماعی مانند کمک به فقرا، قرار گرفتن ارزش‌های اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی و هنجارسازی ارزش‌های اجتماعی.	مطالبه‌گری مدنی
کمک به رفع نیازهای زیستی نیازمندان، تأمین مسکن و سرپناه، تأمین خدمات آموزشی و مشاوره‌ای برای نیازمندان، تأمین خدمات درمانی و بهداشتی مناسب و ایجاد درآمد و افزایش اشتغال برای اقشار نیازمند.	کاهش فقر
کاهش سرقت و دزدی، کاهش فحشا و روسپیگری، کاهش اعتیاد، کاهش مشاغل کاذب، افزایش سلامت روانی جامعه، کاهش استرس و اضطراب‌های اجتماعی، افزایش امید به آینده و هویت‌آفرینی فردی و اجتماعی.	ارتقای سلامت اجتماعی
افزایش خلاقیت در تعریف بسته‌های حمایتی، نوآوری در فرایندهای ارائه خدمات حمایتی، افزایش کیفیت و کمیت خدمات حمایتی، ارائه راهکار مناسب برای حل مشکلات و آسیب‌های نوپدید اجتماعی و توسعه کارآفرینی اجتماعی.	پاسخ‌های نوآورانه به نیازهای اجتماعی

## ادامه جدول ۴

مفاهیم	مقوله‌های فرعی
تقویت انسجام و پیوندهای اجتماعی، اعتمادآفرینی در جامعه، افزایش مراوده‌ها و ارتباطات اجتماعی اثربخش، به‌کارگیری ظرفیت اقلیت‌های قومی و مذهبی در توسعه اقتصادی و اجتماعی، افزایش نقش آفرینی اقشار آسیب‌دیده در خانواده و جامعه و افزایش مشارکت‌های مردمی در حمایت‌های اجتماعی.	توسعه سرمایه‌های اجتماعی
چابک‌سازی سازمان‌های حمایتی دولتی، ممیزی و مدیریت هزینه‌ها، هدایت منابع ملی به سمت فعالیت‌های زیربنایی، استفاده بهینه از منابع عمومی، اثربخشی در هزینه کرد منابع عمومی، استفاده بهینه از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود و افزایش منافع گروه‌های مختلف اجتماعی.	بهینه‌سازی منابع و منافع عمومی
کمک به توانمندسازی مؤسسه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد، کمک به توانمندسازی کسب‌وکارهای کوچک، کمک به توانمندسازی معلولان و زنان آسیب‌پذیر و توانمندسازی سایر اقشار آسیب‌پذیر مانند زندانیان و افراد بی‌خانمان.	توانمندسازی گروه‌های هدف

**ب) کدگذاری محوری**

در کدگذاری محوری تحت قالب مدل پارادایمی نظام‌مند داده‌بنیاد، پژوهشگر با لحاظ شرایطی، یکی از مقوله‌ها را به‌عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند قرار می‌دهد و ارتباط سایر مقوله‌ها را با آن مشخص می‌کند. ارتباط سایر مقوله‌ها با مقوله محوری، می‌تواند در پنج عنوان شرایط علی، راهبردها، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها، تحقق یابد (دانایی فرد، ۱۳۸۹). شکل ۱، روابط میان مقوله‌ها را بر اساس مدل پارادایمی نظام‌مند نشان می‌دهد که در ادامه به‌اختصار تشریح می‌شود.

۱. شرایط علی: شرایط علی در مدل پارادایمی، شرایط و عواملی هستند که باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های تدوین‌شده، مقوله‌های «تکرار چرخه فقر»، «پیدایش مسائل اجتماعی بدخیم و نوظهور»، «سازوکارهای ضعیف ساختاری»، «کمبود منابع حمایتی» و «هزینه گزاف خدمات حمایتی»، به‌عنوان مقوله‌های تشکیل‌دهنده شرایط علی و با عنوان (ناکارآمدی خدمات حمایتی) در نظر گرفته شدند.
۲. مقوله محوری: بر اساس نتیجه مصاحبه‌ها و پس از کدگذاری باز و محوری داده‌ها، «سیاست‌گذاری تدارکات» که دربرگیرنده سه مقوله «برنامه‌ریزی اجتماع‌محور»، «توسعه سیاست‌های مشارکت‌آفرین» و «خط‌مشی‌گذاری چندمنظوره» است، به‌منزله مقوله محوری انتخاب شد.
۳. راهبردها: این راهبردها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه اتخاذ می‌شوند. راهبرد در این پژوهش، «تدارکات اجتماعی» نام دارد و شامل «قرار دادن مؤسسه‌های اجتماعی - حمایتی در زنجیره تأمین دولت و سازمان‌های حمایتی»، «تخصیص‌گرایی سازمانی» و «تسهیلگری اجتماعی» است.
۴. بستر حاکم یا زمینه: این شرایط که بر راهبردهای کنش مؤثرند، شامل مقوله‌هایی هستند که شرایط و بستر لازم را برای تأثیر متغیر محوری و شکل‌گیری راهبرد فراهم می‌آورند. در مدل طراحی‌شده با عنوان کلی «دولت

- ظرفیت‌ساز» مطرح شد و شامل مقوله‌های «حمایت از مؤسسه‌های اجتماعی - حمایتی»، «حمایت از استراتژی رشد مؤسسه‌های اجتماعی - حمایتی» و «فرصت‌آفرینی اجتماعی» است.
۵. شرایط مداخله‌گر: شامل مجموعه وضعیت‌هایی است که ضمن تأثیر بر راهبردهای کنش، مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کند. شرایط مداخله‌گر در مدل این پژوهش «تعامل‌گرایی اجتماعی» نام دارد و شامل مقوله‌های «فرهنگ مسئولیت‌پذیری»، «مشارکت‌پذیری» و «مطالبه‌گری مدنی» است.
۶. پیامد: برخی از مقوله‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که بر اثر اتخاذ راهبردهای کنش و متأثر از مقوله محوری، زمینه، شرایط علی و مداخله‌گر ایجاد شده و توسعه می‌یابند. نتیجه این عوامل، شکل‌گیری تدارکات اجتماعی است. پی‌آمد مجموعه آنها «هم‌افزایی اجتماعی» است که مقوله‌های «کاهش فقر»، «توسعه سرمایه‌های اجتماعی»، «ارتقای سلامت اجتماعی»، «پاسخ‌های نوآورانه به نیازهای اجتماعی»، «توانمندسازی گروه‌های هدف» و «بهبودسازی منابع و منافع عمومی» را شامل می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

### ج) کدگذاری انتخابی: شرح نظریه تدارکات اجتماعی

هدف در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تولید نظریه است، نه توصیف صرف پدیده. بدین منظور، مفاهیم و مقوله‌ها باید به‌طور منظمی به یکدیگر مربوط شوند و ارتباط نظام‌مند مقوله محوری با سایر مقوله‌ها در چارچوب روایتی پژوهشی ارائه شود

(دانایی فرد، ۱۳۸۹). در همین زمینه، در جدول ۵، به نمونه‌ای از مصاحبه‌های انجام‌شده برای شکل‌گیری کدها، مفاهیم و مقوله‌های هم‌افزایی اجتماعی اشاره می‌شود.

جدول ۵. شکل‌گیری کدها، مفاهیم و مقوله هم‌افزایی اجتماعی

مقوله	مفهوم	کد	متن مصاحبه
هم‌افزایی اجتماعی	مشارکت جمعی در توانمندسازی گروه‌های خاص	<ul style="list-style-type: none"> <li>افزایش همکاری‌های عمومی در امر اشتغال مددجویان</li> <li>همکاری عمومی با هدف کاهش وابستگی مددجویان به سازمان‌های حمایتی</li> <li>تسهیم منافع در برنامه‌های حمایتی</li> <li>به‌کارگیری مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت‌های اجتماعی</li> </ul>	<p>در همین شهر ما شهرک‌های صنعتی، شرکت‌ها و ادارات دولتی زیادی هستند که ماهیت کارشان طوری هست که دائماً باید یک سری کالا و خدمات رو از بیرون خریداری کنند مثل بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس و... از طرفی ما برای خیلی از مددجویان مان که اغلب باسواد هستند و مهارت و توانایی کار دارند کسب‌وکارهایی رو راه‌اندازی کردیم که خیلی از این کالاهای رو خودشون می‌تونند تولید کنند، مثل لباس‌های فرم مدارس، لباس‌های بیمارستانی. اگر شرایطی فراهم بشه که همه سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و غیردولتی پای کار بیایند یعنی تشویق شوند که هر گاه نیاز به کالا و خدماتی دارند اون رو از محل تولیدات مددجویی ما تأمین کنند این کسب‌وکارها نه اینکه تعطیل نمی‌شوند، بلکه رونق هم پیدا می‌کنند. از نظر قیمت و کیفیت هم به نفع خود سازمان‌ها هست. از طرفی چون خیلی از بچه‌های مددجویان شاغل می‌شوند راه درآمدی پیدا می‌کنند و به جای اینکه هر روز بیایند و التماس این و اون کنند برای کمک و محتاج کمیته امداد باشند می‌تونند رو پای خودشون بایستند. اگه همه کمک کنند اینها نیاز به حمایت کمیته امداد و بهزیستی ندارند. این کار به نفع مددجویان، دولت و خود سازمان‌هاست. این رو هم باید در نظر گرفت که برخی از خیرین برای اشتغال زنان بی‌سرپرست کارگاه‌های تولیدی رو راه‌اندازی کرده‌اند اگر دولت این کارها رو تشویق کند باعث اشتغال افراد نیازمند و توسعه کسب‌وکار می‌شود.</p>
	ارتقای سلامت اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> <li>کمک به کاهش سرقت و دزدی</li> <li>کاهش جرم جنایت</li> <li>کاهش مشکلات روحی و روانی</li> <li>کاهش اعتیاد</li> </ul>	<p>خیلی از آسیب‌های اجتماعی که هر روز شاهد اون هستیم به خاطر فقر و تنگدستی هست اگر دولت و بخش خصوصی از کسب‌وکارهای کوچک زنان سرپرست خانواده، معلولان و خانواده‌های نیازمند حمایت بکند که اونها بتونند یه لقمه نون حلال در بیاورند قطعاً جرم جنایت کمتر می‌شه، دزدی کمتر می‌شه. اعتیاد کمتر می‌شه. ولگردی و مزاحمت کمتر می‌شه، اختلافات خانوادگی و طلاق کمتر می‌شه. خودشون هم از لحاظ روحی و روانی کمتر تحت فشار قرار می‌گیرند. واقع بین باید باشیم نباید فراموش کنیم که در خیلی از آسیب‌های اجتماعی یه طرف قضیه جامعه هست. مشکل اون‌ها حل بشه انگار که مشکل جامعه هم حل شده.</p>

### نظریه تدارکات اجتماعی

طراحی مدل تدارکات اجتماعی، به‌عنوان موضوع اصلی این پژوهش مطرح شد. مدل پارادایمی ارائه‌شده، ناکارآمدی



خدمات حمایتی را که مشتمل بر تکرار چرخه فقر، پیدایش مسائل اجتماعی بدخیم و نوظهور، کمبود منابع حمایتی، سازوکارهای ضعیف ساختاری و هزینه گزاف خدمات حمایتی است، به‌عنوان شرایط علی مطرح می‌کند. برقراری عدالت اجتماعی با توجه به مشکلات مهمی از قبیل جنگ، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، خشک‌سالی و بیکاری که جوامع را تهدید می‌کنند، برای حکومت‌ها امری مشکل است و همکاری آحاد جامعه را می‌طلبد. از طرف دیگر، بازتعریف وظایف سازمان‌های مدنی و مردم‌نهاد حمایتی از نقش مهم و مسئولیت مدنی آنها در ایجاد اشتغال، فعالیت‌های اجتماعی جمعی و بر عهده گرفتن بار حمایتی و کفالت مستضعفان و کاهش فقر به‌جای کمک‌های صرفاً مادی و پولی برای رفع احتیاجات معیشتی نیازمندان و بهبود فعالیت آن سازمان در توسعه کارایی و اثربخشی ارائه خدمات و بهزیستی نیازمندان (زارع و صفری، ۱۳۹۸)، به بروز پدیده محوری این مدل با عنوان سیاست‌گذاری تدارکات منجر شد.

به بیان ساده‌تر، تدارکات اجتماعی، گنجانیدن ارزش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی در تدارکات سنتی است، بنابراین هدف از تدارکات، سوق دادن تأمین‌کنندگان بخش خصوصی و ثالث به ارزش‌آفرینی اجتماعی است. پس تدارکات اجتماعی می‌تواند به‌عنوان سازوکاری برای تشویق جامعه مدنی به‌منظور ایجاد بنگاه‌های اجتماعی، به‌صورت بخشی از چارچوب یک خط‌مشی دولتی وسیع‌تر که با اثرهای اجتماعی همراه است، عمل کند (لیپیچ، ۲۰۱۴). تحقق این امر در گروی تدوین و اجرای برنامه‌های اجتماع‌محور از سوی دولت است تا راه را برای دستیابی به تدارکات اجتماعی و فعالیت سازمان‌های بخش خصوصی و غیرانتفاعی هموار کند. مدل ارائه‌شده در این پژوهش، مهم‌ترین ویژگی تدارکات اجتماعی را توجه به نیازها و مسائل نوظهور دانسته و به‌عنوان شاخص در عوامل علی به آن توجه دارد و پیامد استفاده از تدارکات را نیز پاسخ‌های نوآورانه به آن نیازها می‌داند. پس، وجود و حمایت دولتی ظرفیت‌ساز از نقش خلاقیت در ایجاد پاسخ‌های نوآورانه در زمینه تأمین و عرضه خدمات توسط سازمان‌های خیریه و غیرانتفاعی، به ایجاد ارزش اجتماعی کمک می‌کند. باید گفت که اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های حاکمیتی در اجرای تدارکات اجتماعی، توجه به زمینه‌های فرهنگی و تعامل با جامعه مدنی است تا فاصله میان دولت و سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات و جامعه کم شود و پیامد تدارکات اجتماعی که هم‌افزایی اجتماعی است را ایجاد کند.

### نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادها

تدارکات اجتماعی، همواره در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های عمومی و نیز در طیف وسیعی از زمینه‌ها، نظیر توسعه صنایع ملی، کاهش بیکاری، بهبود شرایط اشتغال، پشتیبانی از کسب‌وکارهای کوچک، توسعه منطقه‌ای و محلی، استخدام و اشتغال کارگران معلول و پرداخت حقوق برابر به زنان و مردان، استفاده شده است. هدف اصلی تدارکات اجتماعی، در ابتدا تأمین و رفع برخی نیازهای خاص و برطرف کردن تقاضای کاربران و مصرف‌کنندگان تا میزانی مشخص و در زمان و مکان معین بود، اما اکنون به‌دنبال ایجاد و افزایش ارزش افزوده برای محیط خود است (گران‌دیا و میهان، ۲۰۱۷).

ون لانگ، دی کرمر، ون دیک و ونوت<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، معتقدند که فشار به منابع دولت‌ها و ناتوانی دولت‌ها در رفع مسائل سخت و نوظهور، زمینه تدارکات اجتماعی را فراهم آورده است. به همین دلیل، ناکارآمدی خدمات حمایتی به‌عنوان پدیده علی، باعث اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های جدیدی از جمله برنامه‌ریزی اجتماع محور می‌شود تا دولت با توسعه مشارکت‌های عمومی و بازتعریف مسئولیت‌های اجتماعی، بخشی از بار خدمات حمایتی نیازمندان را به مردم، سازمان‌ها و مؤسسه‌های مردم‌نهاد واگذار کند. امروزه، سازمان‌های بخش عمومی از تدارکات اجتماعی برای دستیابی به اهداف اجتماعی گوناگون بهره می‌برند. این گستردگی فعالیت‌ها بدین معنا است که تدارکات اجتماعی ابزاری سیاسی هستند که برای دستیابی به برایندها و پیامدهای مطلوب در جامعه استفاده می‌شوند (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶). در نتیجه، سیاست‌گذاری تدارکات به‌عنوان پدیده محوری از طریق طراحی سیاست‌های اجتماع محور، خط‌مشی‌گذاری چندمنظوره و توسعه سیاست‌های مشارکت‌آفرین شکل می‌گیرد. به‌طور یقین، با پیدایش مسائل پیچیده، سخت و نوظهور در حوزه حمایت‌های اجتماعی، مشارکت شبکه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی در تدوین، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی، اجتناب‌ناپذیر شده است. به همین دلیل، دولت با اتخاذ سیاست‌های شبکه‌ای، به‌دنبال مشارکت بخش ثالث جامعه در حل مسائل و مشکلات اجتماعی است. در برنامه‌ریزی‌های اجتماع محور، دولت باید به‌جای تولید پرهزینه خدمات حمایتی، به خرید آن از طریق مدل تدارکات اجتماعی اقدام کند تا با رونق دادن به فرایند تدارکات، زمینه‌های مشارکت بخش ثالث اعم از مؤسسه‌های خیریه، مؤسسه‌های خصوصی داوطلب و سازمان‌های مردم‌نهاد در تأمین خدمات حمایتی را فراهم کرده و از این طریق، بخشی از کمبود منابع، تخصص و امکانات خود را تأمین کند. از طرفی، سازمان‌ها و شرکت‌های مختلف دولتی و حتی خصوصی، به‌دلیل برخورداری از منابع مالی و قدرت خرید بالا، قادرند از طریق تدارکات اجتماعی به تولید ارزش‌های اجتماعی مانند کاهش فقر اقدام کنند تا ضمن تولید کالاها و ارائه خدمات خود، به کاهش فقر به‌عنوان یکی از مشکلات مهم اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کنند. در همین رابطه، به همکاری مشترک در بخش‌های خدمات عمومی از مشخصه بارز حاکمیت عمومی نوین نیاز است که به ظهور انواع جدیدی از روابط بازاری و نگرش جدید در خصوص ارزش افزوده عمومی منجر می‌شود (آزبورن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). علاوه بر این، پیدایش آسیب‌های جدید اجتماعی مانند زنانه شدن فقر، افزایش جمعیت سالمندی، بروز کم‌آبی و خشک‌سالی‌های شدید و تحریم‌های اقتصادی، افزایش فقر و افزایش میزان ماندگاری فقرا در چرخه فقر و به‌تبع آنها کمیت و کیفیت خدمات حمایتی را با مشمل جدی مواجه کرده است. با توجه به مطالب بیان‌شده، این مقاله به مفهوم پردازی و طراحی مدل تدارکات اجتماعی در حمایت‌های اجتماعی پرداخته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، خدمات حمایتی در ایران به‌دلیل محدودیت و موانع بیان‌شده، از کارآمدی لازم برخوردار نیستند که باید برای رفع این مشکل اجتماعی چاره‌ای اندیشید.

به اعتقاد لیبیچ (۲۰۱۴)، به‌کارگیری سیاست‌های افقی و ایجاد ارتباط بین بازیگران سیاسی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در تولید ارزش اجتماعی که از اهداف تدارکات اجتماعی است، ضروری است. در این شرایط، یکی از راهبردهای لازم برای تحقق هم‌افزایی در منابع حمایتی، گذر از تدارکات سنتی و به‌کارگیری راهبرد تدارکات اجتماعی در

کشور است. در همین راستا، دولت ظرفیت‌ساز از طریق فرصت‌آفرینی اجتماعی، حمایت از ایجاد سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی - حمایتی و همچنین حمایت از استراتژی‌های رشد شرکت‌ها و مؤسسه‌های اجتماعی - حمایتی، می‌تواند بستر پیدایش تدارکات اجتماعی در جامعه را فراهم آورد. سازمان‌های اجتماعی - حمایتی به سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسه‌های گفته می‌شود که با پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی خود در حوزه حمایت‌های اجتماعی و کمک به گروه‌های نیازمند اجتماعی، به‌طور مؤثر و پایداری در این خصوص نقش‌آفرینی می‌کنند. دولت از طریق حمایت‌های مالی، فنی و قانونی از سازمان‌ها، مؤسسه‌ها و شرکت‌های اجتماعی - حمایتی و همچنین کمک به رشد و توسعه این گونه مؤسسه‌های و خرید کالا و خدمات حمایتی از مؤسسه‌های نام‌برده، می‌تواند ضمن گنجاندن ارزش‌های اجتماعی در معامله‌ها، برای تأمین کالا و خدمات خود از بخش ثالث، داوطلب و غیرانتفاعی جامعه، بسترهای لازم را فراهم آورد. بر اساس نظر رومان (۲۰۱۷)، حمایت و پشتیبانی، نگرش، فرهنگ سازمانی و سبک رهبری مدیران از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر اجرای فرایند تدارکات اجتماعی پایدار تأثیرگذار باشند. دولت ظرفیت‌ساز از طریق فراهم آوردن بسترهای لازم قانونی و فرهنگی، زمینه‌های اجرا و توسعه تدارکات اجتماعی را در جامعه فراهم می‌کند. علاوه بر این، تعامل‌گرایی اجتماعی شامل فرهنگ مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌پذیری و وجود جامعه مطالبه‌گر و ارزش‌گرا، به‌عنوان عوامل مداخله‌گر در پیدایش تدارکات اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. پیدایش تدارکات اجتماعی منوط به تلاش دولت به‌تهدایی نیست و بسترهای اجتماعی نیز می‌توانند برای تحقق تدارکات، عامل تسهیل‌کننده یا بازدارنده اجتماعی باشند. وجود یا نبود جنبش‌های فعال و مطالبه‌گر در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی (دلمونیکا و همکاران، ۲۰۱۸)، ظرفیت و آستانه تحمل اجتماعی در زمینه پذیرش تفکرات، باورها، دیدگاه‌ها و اعتقادات گروه‌های مختلف و در نهایت میزان باور و فرهنگ جامعه به رفع مشکلات اجتماعی و تولید ارزش در فرایند تدارکات اجتماعی می‌توانند اثر تسهیلگری یا بازدارندگی داشته باشند.

به‌طور کلی، تدارکات اجتماعی به‌عنوان راهبرد جدیدی در مدیریت دولتی قادر هستند در راستای ارزش‌آفرینی اجتماعی از طریق شبکه‌سپاری هدفمند، تخصص‌گرایی، تسهیلگری، فرصت‌آفرینی و فرصت‌یابی در منابع مختلف اجتماعی (مک موری، اسلام، سیوار و فین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳) و تدارکات چندجانبه به هم‌افزایی اجتماعی بینجامد. سازمان‌های دولتی به‌منظور تحقق تدارکات اجتماعی، به جست‌وجوی فرصت‌های ارزش‌آفرین در ظرفیت جامعه می‌پردازند تا ارزش‌های مهم اجتماعی را شناسایی کنند و سپس این ارزش‌ها را در اهداف و فرایند تدارکات اجتماعی خود بگنجانند، آنگاه کالا و خدمات خود را به‌صورت هدفمند و تخصصی از طریق شبکه‌هایی تأمین کنند که به تولید و حمایت از این ارزش‌ها می‌پردازند. در برخی از کشورها، سازمان‌های دولتی اولویت خرید کالا و خدمات خود را به مؤسسه‌ها و شرکت‌های محلی، کسب‌وکارهای کوچک زنان، معلولان، زندانیان و شرکت‌های حافظ محیط زیست می‌دهند تا ضمن تأمین کالا و خدمات برای دولت، به پیشبرد سیاست‌های دولت در توسعه محلی، اشتغال زنان، حمایت از فقرا، حفظ محیط زیست و بازپروری بزهکاران کمک کنند و به اصطلاح با یک تیر دو نشان بزنند. در نهایت، باید گفت تدارکات

اجتماعی می‌توانند از طریق هم‌افزایی و هم‌آفرینی در جامعه، پیامدها و دستاوردهای ارزشمندی همچون کاهش فقر (سیژن، ۲۰۱۸)، کاهش بیکاری در بلندمدت (کمیسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۶) ارتقای سلامت اجتماعی، اشتغال و کارآفرینی (سیژن، ۲۰۱۸)، ارائه پاسخ نوآورانه به نیازهای اجتماعی، بهینه‌سازی یا افزایش منابع عمومی (آزبورن، ۲۰۱۰)، ایجاد ارزش افزوده (گراندیا و میهان، ۲۰۱۷)، بیشینه‌سازی منافع (آزبورن، ۲۰۱۰)، توانمندسازی گروه‌های اجتماعی برای حل مشکلات جامعه مدنی (اویارا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴)، تولید سرمایه‌های اجتماعی (فورنو و باراکت، ۲۰۱۴) و توزیع عادلانه‌تر منابع عمومی را برای جامعه و کشور به ارمغان آورند. از این رو، با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. با توجه به اینکه موضوع تدارکات اجتماعی، موضوع جدیدی در علوم مدیریت و سیاست‌گذاری است، پیشنهاد می‌شود، مراکز علمی و پژوهشی کشور به تبیین بیشتر مفاهیم نظری و الگوهای آن بپردازند. از طرفی، به دلیل کمبود دانش و تجربه عملی در این خصوص، به کارگیری آن در ایران باید با احتیاط صورت پذیرد. با این حال، موفقیت در آن به هیچ وجه تضمین شده نیست و باید شرایط و احتمال پیاده‌سازی موفق تدارکات اجتماعی، به خوبی بررسی شوند.

۲. با توجه به تجربه پیاده‌سازی فرایند تدارکات اجتماعی در برخی از کشورها از جمله آمریکا، کانادا، آلمان و استرالیا، پیشنهاد می‌شود دولت دستاوردها و نتایج اجرای تدارکات اجتماعی در این کشورها را بررسی کند و پس از ارزیابی نتایج و پیامدهای مطلوب و نامطلوب آن، متناسب با شرایط کشور، در خصوص پیاده‌سازی آن اقدام کند.

۳. همان‌طور که کامرون (۲۰۱۲) نیز اشاره کرده است، پیاده‌سازی تدارکات اجتماعی مستلزم تعدیل سیاست‌ها، قوانین، فرایندها و شیوه‌های تصمیم‌گیری به‌منظور گنجاندن ارزش‌های اجتماعی مانند کمک به فقرا و گروه‌های خاص در معاملات عمومی است. بنابراین، جایگزین کردن تدارکات اجتماعی به جای تدارکات سنتی، به تدوین یا اصلاح قوانین و مقررات در حوزه معاملات دولتی نیاز دارد. به نظر می‌رسد، در رقابت‌های معاملاتی، به‌ویژه در قوانین مرتبط به مناقصه‌ها و مزایده‌ها، باید قانون تبعیض مثبت<sup>۲</sup> (تبعیض به نفع گروه‌های فقیر و نیازمند جامعه)، لحاظ شود.

۴. علاوه بر تدوین قوانین مورد نیاز، پیاده‌سازی تدارکات اجتماعی مستلزم تغییر نگرش‌ها، فرهنگ‌سازی و گسترش مسئولیت‌های اجتماعی در سطح جامعه است. گفتمان تدارکات اجتماعی که منعکس‌کننده احساسات و نگرش افراد جامعه به گنجاندن ارزش‌های اجتماعی در معاملات اقتصادی است، باید در حوزه‌های متعدد از جمله سیاست‌گذاری، مدیریت بخش عمومی، مدیریت بازرگانی و بخش غیرانتفاعی توسعه یابد و طرح‌های «خرید حمایتی» و همچنین «فروش حمایتی» که ارزش و منفعت حاصل از آن به نفع گروه‌های خاص اجتماعی (نیازمندان) است، به‌عنوان یکی از ابزار ساده تدارکات اجتماعی در فرهنگ ملی و محلی نهادینه شود.

۵. با توجه به وجود اعتقادات دینی و مذهبی و همچنین فرهنگ نوع‌دوستی در ایران، برای پیاده‌سازی تدارکات اجتماعی در بخش‌های مختلف حمایتی کشور، زمینه‌های انگیزشی مناسبی وجود دارد. پیشنهاد می‌شود، دولت در زمینه کمک به زنان سرپرست خانواده، کمک به ایتم، کودکان کار، معلولان، سالمندان، خانواده‌های زندانیان، توسعه

مناطق محروم، بازپروی افراد معتاد، کمک به درمان بیماران خاص و سخت درمان، کمک به اشتغال جوانان بیکار و... از ظرفیت تدارکات اجتماعی استفاده کند.

## منابع

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۳). روش‌شناسی تحقیقات کیفی (چاپ دوم)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۹). *استراتژی‌های نظریه‌پردازی*، تهران، سمت.
- زارع، رضا، صفری، محمد (۱۳۹۸)، عوامل مرتبط با فقر مطلق در خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی استان فارس. *رفاه اجتماعی*، ۱۹ (۷۴)، ۴۷-۹۶-۴۷.
- صفری، محمد؛ زارع، رضا؛ شرفیان، یلدا (۱۳۹۸)، طراحی و تبیین مدل جمع‌سپاری مالی الکترونیکی در حمایت‌های اجتماعی: مطالعه‌ای در کمیته امداد امام خمینی (ره) استان فارس، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، ۱۳ (۵۲)، ۸۵-۱۱۰.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۹۱). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۳ (۴۲)، ۱۱-۳۴.
- نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۹۷). *روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی*. (ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز)، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، نشر ترمه.

## References

- Abbaszadeh, M., Abbaszadeh, M. (2012). Validity and reliability in qualitative researches. *Journal of Applied Sociology*, 23(1), 19-34. (in Persian)
- Arrowsmith, S. (2010). Horizontal policies in public procurement: A taxonomy. *Journal of Public Procurement*, 10(2), 149-186. doi:10.1017/cbo9780511576041.006.
- Barraket, J., & Weissman, J. (2009). *Social procurement and its implications for social enterprise: A literature review*. (Working Paper No. CPNS48). Retrieved from <http://eprints.qut.edu.au/29060/> (Accessed 28th May 2015)
- Barraket, J., Keast, R. & Furneaux, C. (2016). *Social procurement and new public governance*, 1st Edition, Routledge, NY.
- Bovaird, T. (2006). Developing new forms of partnership with the 'market' in the procurement of public services. *Public Administration*. 84(1), 81-102. doi: 10.1111/j.0033-3298.2006.00494.x.
- Buy Social Canada (2018). *A Guide to Social Procurement*. Available in: [https://ccednet-rcdec.ca/sites/ccednet-rcdec.ca/files/buy\\_social\\_canada\\_social\\_procurement\\_guide.pdf](https://ccednet-rcdec.ca/sites/ccednet-rcdec.ca/files/buy_social_canada_social_procurement_guide.pdf).
- Cision (2018). *The Government of Canada Encourages Community Employment Benefits through Infrastructure Projects*, News Releases (blog), June 22, 2018, <https://www.newswire.ca/news-releases/the-government-of-canada-encourages-community-employmentbenefits-through-infrastructure-projects-686257621.html>.

- City of Victoria (2017). *Social Enterprise and Social Procurement Task Force*. Available in: <http://www.victoria.ca/EN/main/city/mayor-council-committees/task-forces/social-enterprise-and-social-procurement-task-force.html>.
- Costa, B.B.F.D., & Motta, A.L.T.S.D. (2019). Key factors hindering sustainable procurement in the Brazilian public sector: A Delphi study. *International Journal of Sustainable Development and Planning*, 14(2), 152-171. <https://doi.org/10.2495/SDP-V14 N2-152-171>.
- Danaeifard, H. (2011). *Strategies of Theory Building*, Tehran: SAMT. (in Persian)
- Delmonicoa, D., Chiappetta Jabbourb, C. J., Farias Pereirac, S. C., De Sousa Jabbourb, A B L., Renwickd, D. W. S. (2018). Unveiling barriers to sustainable public procurement in emerging economies: Evidence from a leading sustainable supply chain initiative in Latin America, *Resources, Conservation & Recycling*, 134, 70–79.
- Edler, J. and Yeow, J. (2016). Connecting demand and supply: the role of intermediation in public procurement of innovation. *Research Policy*, 45(2), 414-426.
- Erridge, A. (2007). Public procurement, public value and the Northern Ireland Unemployment Pilot Project. *Public Administration*, 85(4), 1023–1043.
- European Commission (2016). *Thresholds*, 13 October, available at: [https://ec.europa.eu/growth/single-market/public-procurement/rules-implementation/thresholds\\_en](https://ec.europa.eu/growth/single-market/public-procurement/rules-implementation/thresholds_en)
- Furneaux, C., & Barraket, J. (2014). Purchasing social good(s): A definition and typology of social procurement. *Public Money & Management*, 34(4), 265–272.
- Grandia, J. & Meehan, J. (2017). Public procurement as a policy tool: using procurement to reach desired outcomes in society. *International Journal of Public Sector Management*, 30(4), 302-309.
- Hall, P. D. (2011). Historical perspectives on nonprofit organizations in the United States. In R. D. Herman, & Associates (Eds.), *The Jossey-Bass handbook of non-profit leadership and management* (2nd ed., pp. 3–38). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Iman, M. T. (2015). *Philosophy of Human Research Method*. Qom: Research Institute of Hawzeh and University. (in Persian)
- Kamruzzaman, M. D. (2012). *Sustainable Procurement: Scope and Practice in the Public Sector in Bangladesh*. Dissertation for the Degree of Masters in Procurement and Supply Management, Institute of Governance Studies, BRAC University.
- Lepage, D. (2014). *Exploring Social Procurement*. Accelerating Social Impact CCC, Ltd. [https://ccednet-rcdec.ca/sites/ccednet-rcdec.ca/files/ccednet/exploring-social-procurement\\_asi-ccc-report.pdf](https://ccednet-rcdec.ca/sites/ccednet-rcdec.ca/files/ccednet/exploring-social-procurement_asi-ccc-report.pdf).
- Loosemore, M. (2016). Social procurement in UK construction projects. *International Journal of Project Management*, 34(2), 133-144. <https://doi.org/10.1016/j.ijproman.2015.10.005>.

- Mcmurray, A.J., Islam, M.M., Siwar, C., Fien, J., (2013). Sustainable procurement in Malaysian organisations: practices, barriers and opportunities. *J. Purchasing Supply Manage.* 20 (3), 195–207. <http://dx.doi.org/10.1016/j.pursup.2014.02.005>.
- Mendoza Jiménez, J.; Hernández López, M., Franco Escobar, S.E., (2019). Sustainable Public Procurement: From Law to Practice. *Sustainability*, 11, 63-88.
- Montalbán-Domingo, L., García-Segura, T., Amalia Sanz, M., Pellicer, E. (2019). Social Sustainability in Delivery and Procurement of Public Construction Contracts, *Journal of Management in Engineering*, 35(2), 04018065-11. DOI: 10.1061/(ASCE)ME.1943-5479.0000674.
- Munoz, S.A. (2009). Social enterprise and public sector voices on procurement. *Social Enterprise Journal*, 5(1), 69–82. doi:10.1108/17508610910956417
- Mupanemunda, M. (2019). Social procurement Creating employment opportunities through purchasing expenditure. *Research & Policycentre*, [http://library.bsl.org.au/jspui/bitstream/1/11417/1/Mupanemunda\\_Social\\_procurement\\_2019.pdf](http://library.bsl.org.au/jspui/bitstream/1/11417/1/Mupanemunda_Social_procurement_2019.pdf).
- Newman, W. L. (2017). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approachs*. (Translated by Abolhassan Faghihi and Asal Aghaz). Tehran: Termeh Publishing. (in Persian)
- Osborne, S. P. (2010). *The new public governance: Emerging perspectives on the theory and practice of public governance*. London: Routledge.
- Roman, A.V. (2017). Institutionalizing sustainability: a structural equation model of sustainable procurement in US public agencies. *Journal of Cleaner Production*, 143, 1048 1059. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jclepro.2016.12.014>.
- Safari Dashtaki, M., Zare, R., sharafiyani, Y. (2018). Designing and explaining the model of electronic financial crowdsourcing in social supports A survey in Imam Khomeini Relief Foundation, Fars province. *Iranian journal of management sciences*, 13(52), 70-90. (in Persian)
- Schulten, T., Alsos, K., Burgess, P., & Pedersen, K. (2012). *Pay and other Social clauses in European public procurement: An overview on regulation and practices with a focus on Denmark, Germany, Norway, Switzerland and the United Kingdom*. Study on behalf of the European Federation of Public Service Unions (EPSU) Düsseldorf, December
- Social Procurement Action Group (SPAG) (2012). *Social Procurement in NSW: A Guide to Achieving Social Value through Public Sector Procurement*. <https://www.socialtraders.com.au/wp-content/uploads/2016/05/Social-Procurement-in-NSW-Full-Guide.pdf>.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory* (2nd ed.). Sage Publications, Inc.
- Temple, N. (2013). *The Social Value Act is opening doors and encouraging cross-sector working, but there are still challenges, says Nick Temple, theguardian.com*. Tuesday 24 September 2013.

- Uyarra, E. (2016). The impact of public procurement of innovation. In Edler, J., Cunningham, P., Gök, A. and Shapira, P. (Eds), *Handbook of Innovation Policy Impact*, Edward Elgar, pp. 355-381.
- Van Lange, P. A. M., De Cremer, D., Van Dijk, E., & Van Vugt, M. (2007). Self-interest and beyond: Basic principles of social interaction. In A. Kruglanski, & E. Higgins, (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (2nd ed.) (pp. 540-561). New York: Guilford.
- Victorian Government (2018). *Victoria's social procurement framework Building a fair, inclusive and sustainable Victoria through procurement*, <https://www.buyingfor.vic.gov.au/sites/default/files/2018-08/Victorias-Social-Procurement-Framework.PDF>
- Zare, R., Safari, M. (2019). Analysis of Factors Affecting Incidence of Poverty in Families Receiving Support from Aid Organizations: A Case Study of Imam Khomeini Relief Foundation in Fars Province, *Iran. Refahj*, 19 (74), 47-96. (in Persian)

